روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

چهارشنبه | ۲۶ شهریور ۱۴۰۴ | ۲۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ | ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۴۱۳ | ۸ صفحه | ۱۰ هزار تومان

| ۱۱۹۱ سال و ۱۶ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4413 | WED.SEP.17, 2025 | ISSN:2008-2886

در جنگ ۱۲ روزه کدام مراکز تحقیقاتی رژیم صهیونیستی مورد اصابت موشک‌های ایرانی قرار گرفت

به اضافه وایزمن

صفحه ۲

پرونده «وطن امروز» درباره بازگشت باشکوه کشتی آزاد ایران به قله جهان

آیین پهلوانی

پیام تبریک رهبر انقلاب به قهرمانان کشتی

صفحه ۶

با وجود ادعای اولیه مبنی بر بی‌اطلاعی از حمله «آکسیوس» رسانه نزدیک به کاخ سفید فاش کرد نتانیاهو قبل از تهاجم رژیم صهیونیستی به قطر ترامپ را از این موضوع مطلع کرده بود

شریک دزد

سفر روبیو به دوحه و ادعای توافق امنیتی جدید با قطر

تکیه بر باد

صفحه ۷

تیترهای امروز

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ چرا برخلاف پیش‌بینی‌ها توقف جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی نزدیک به ۳ ماه طول کشیده است؟

معادله آتش‌بس

همین صفحه

نگاهی به بازنمایی تصویر دوران پهلوی در سینمای ایران به بهانه اکران فیلم «آدم‌فروش»

آیینه غبارآلود در برابر تاریخ

صفحه ۸

ویژه

دولت باید ناترازی انرژی را با انتقال گاز روسیه و توسعه زیرساخت‌ها برطرف کند

ایران یک قدم تا هاب گازی

■ تسریع در توسعه زیرساخت‌ها شرط لازم برای عبور از ناترازی زمستان و تحقق چشم‌انداز هاب گازی ایران است

صفحه ۳

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ چرا برخلاف پیش‌بینی‌ها، توقف جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی نزدیک به ۳ ماه طول کشیده است؟

معادله آتش‌بس

یادداشت

پس از توقف جنگ ۱۲ روزه، برخلاف پیش‌بینی اکثر کارشناسان مبنی بر قریب‌الوقوع بودن حمله مجدد رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران اما ۸۵ روز از توقف جنگ می‌گذرد.

این موضوع می‌تواند ۳ دلیل داشته باشد:

۱- ماهیت حمله نظامی مستقیم به ایران، آنگونه که کارشناسان سیاسی و نظامی فکر می‌کردند، نبوده است.

۲- برخلاف مواضع اعلامی و ادعاهای مقامات رژیم صهیونیستی و آمریکا، هدف یا اهداف آنها از حمله به ایران، موارد دیگری بوده است.

۳- نتایج جنگ، برخلاف پیش‌بینی دستگاه‌های امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی و آمریکا رقم خورد و آنگونه که آنها تصور می‌کردند منجر به تحقق اهداف تعیین‌شده نشد.

در این بین، گزاره سوم از همه محتمل‌تر است.

در ظاهر، ۳ عامل باعث شکست پیش‌بینی‌ها و عدم تحقق اهداف تعیین‌شده رژیم صهیونیستی و آمریکا بوده است:

الف- واکنش مردم ایران به جنگ تحمیلی و ایجاد یک انسجام و همبستگی ملی کم‌سابقه در ایران

ب- قدرت دفاعی ایران؛ موفقیت عملیات‌های موشکی و شکست پدافند چندلایه موشکی رژیم صهیونیستی

پ- استحکام نظام سیاسی ایران؛ قابلیت ترمیم ساختار و همین‌طور اراده نظام در نحوه مواجهه با مقوله جنگ

در مورد گزاره اول، واقعیت این است که دستگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی رژیم دچار یک خطای محاسباتی بزرگ درباره نوع واکنش مردم ایران نسبت به جنگ شدند. شاید بتوان گفت مبنای این محاسبه اشتباه، برآورد آنها از حوادث پاییز ۱۴۰۱ و نسبت مردم با حکومت بود. به هر حال با وجود تلاش نتانیاهو و ترامپ برای متقاعد کردن مردم ایران به ابراز اعتراض نسبت به نظام سیاسی مستقر، مردم به صورت یکپارچه علیه متجاوز و در کنار نیروهای مسلح کشورشان منسجم و همبسته شدند. قطعا تئوریسین‌های امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی و آمریکا این واقعیت را درک کرده‌اند که هر نوع حمله نظامی به ایران، تا زمانی که از سوی بخش مهمی از جامعه ایرانی همراهی نشود، یک اقدام و تلاش بی‌نتیجه خواهد بود. به همین خاطر، امید اصلی آنها هنگام به راه انداختن جنگ علیه ایران، ایجاد اعتراضات اجتماعی و احیانا بروز و ظهور این اعتراضات در خیابان‌ها بوده است؛ امیدی که همان روزهای ابتدایی جنگ بر باد رفت.

از سوی دیگر، قطعا برآوردهای نظامی رژیم صهیونیستی و آمریکا این بود که ایران توانایی پاسخ‌های موشکی مداوم و موثر به حملات رژیم صهیونیستی را نخواهد داشت. یکی از دلایل این محاسبات، اتکای آنها به سناریوی از کار انداختن یا تحدید و تضعیف توان آفندی در درون خاک ایران بود. از سوی دیگر جنگ ۱۲ روزه نشان داد هم رژیم صهیونیستی و هم آمریکا اطلاعات دقیقی درباره میزان قدرت موشکی و پهپادی ایران ندارند اما در خلال جنگ تازه متوجه میزان قدرت موشک‌های ایرانی و قدرت تخریب، همچنین میزان دقت آنها شدند. شکست پدافند چندلایه موشکی رژیم صهیونیستی در رهگیری موشک‌های ایران نیز یکی دیگر از واقعیت‌های جنگ ۱۲ روزه و از مصادیق اشتباهات محاسباتی آنها بود.

شکست رژیم صهیونیستی و آمریکا در همه این موارد، قطعا از جمله دلایل شکست آنها در رسیدن به اهداف تعیین‌شده برای جنگ بود.

در کنار این ۲ گزاره، جنگ ۱۲ روزه نشان داد اگرچه جمهوری اسلامی ایران ۳۷ سال از جنگ به دور بوده و تجربه یک جنگ بزرگ و مدرن را در این مدت نداشته است اما ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری ایران از چنان قدرت و استحکامی برخوردار است که می‌تواند یک جنگ مدرن را که به واسطه بدعهدی آمریکا، با یک غافلگیری بزرگ آغاز شده بود، به سرعت کنترل کرده و بر آن مسلط شود. ایران به فاصله چند ساعت توانست ساختار تصمیم‌گیری نظامی خود را ترمیم و به همان سرعت طرح‌های مقابله با رژیم صهیونیستی را اجرایی کند. از همه مهم‌تر، تنظیم فرآیند پاسخگویی به حملات رژیم صهیونیستی و تسلط روحی - روانی مقامات و فرماندهان ایرانی بر این فرآیند، نشان داد مقامات ایران به دور از هرگونه هیجان‌زدگی یا افراط و تفریط در مقابله با رژیم صهیونیستی، کاملا کنترل اوضاع را در دست دارند. برخی کارشناسان غربی، پس از توقف جنگ به این نکته مهم اشاره کردند که ایرانیان با وجود توانایی و قابلیت وارد کردن ضربات مهلک به رژیم صهیونیستی اما به گونه‌ای جنگیدند که به همه دنیا ثابت شد با وجود تحمیل جنگ به ایران اما مقامات تهران نوعی بازدارندگی و خویشتنداری منطقی و معنادار را در مواجهه با رژیم صهیونیستی ارائه کردند. به معنای ساده‌تر، ایران در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، با ابتکارات جدید، به همه مقامات و تئوریسین‌های نظامی دنیا ثابت کرد قابلیت آن را دارد که حملات فلج‌کننده‌ای علیه رژیم صهیونیستی انجام دهد. در کنار حملات دقیق و موثر، این رفتار ایران نشان داد نظام جمهوری اسلامی از یک استحکام کم‌نظیر برخوردار است. بویژه حمله ایران به پایگاه العدید قطر و هدف قرار دادن تجهیزات آمریکا نشان داد ایران هم توان و هم انگیزه و اراده رویارویی با آمریکایی‌ها را دارد. نحوه عملیات حمله به العدید نیز کاملا حساب‌شده بود. از یک سو ایران نشان داد به سیاست اعلامی خود مبنی بر هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکایی در منطقه پایبند است و اراده انجام این اقدام را دارد و از سوی دیگر این حمله را به گونه‌ای انجام داد تا کاخ سفید نسبت به تداوم و گسترش جنگ مردد شود.

بنابراین با درنظر گرفتن این موارد، می‌توان گفت رژیم صهیونیستی و آمریکا درباره وضعیت اجتماعی ایران و قدرت دفاعی ایران، همچنین استحکام نظام جمهوری اسلامی، دچار خطاهای محاسباتی پرهزینه شدند. به همین خاطر نخستین‌بار این نتانیاهو بود که به ترامپ درخواست آتش‌بس داد. یعنی درخواست آتش‌بس از سوی همان طرفی مطرح شد که شروع‌کننده جنگ بود. آن هم درحالی که هیچ‌کدام از اهداف اعلام‌شده جنگ محقق نشده بود.

■ تغییر راهبرد؛ جنگ شاید وقتی دیگر

طولانی شدن آتش‌بس، به وضوح نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی و آمریکا راهبردهای جدیدی را برای جنگ مجدد علیه ایران در پیش گرفته‌اند. بلافاصله پس از توقف جنگ، محموله‌های بزرگ سلاح، بویژه موشک‌های پدافندی از آمریکا و اروپا برای رژیم صهیونیستی ارسال شد اما طولانی شدن آتش‌بس نشان داد تل‌آویو و واشنگتن نمی‌خواهند همانند جنگ ۱۲ روزه، با ایران بجنگند.

اما راهبرد یا راهبردهای جدید آنها برای حمله مجدد نظامی به ایران چیست؟

قابل پیش‌بینی است رژیم صهیونیستی و آمریکا برای هر جنگ نظامی علیه ایران، روی افکار عمومی و فضای اجتماعی ایران حساب ویژه باز کرده‌اند. آنها می‌خواهند از ظرفیت اجتماعی درون ایران سوءاستفاده کنند. در این راستا به دنبال افزایش فشار اقتصادی و سیاسی بر مردم ایران بویژه از طریق تشدید تحریم‌ها هستند. از سوی دیگر سرمایه‌گذاری روی شکاف‌های اجتماعی مانند گسل‌های قومی و مذهبی و بویژه موضوع زنان، همچنین اقدامات ضدامنیتی مانند ترور، خرابکاری و ناامنی در دستورکار آنها قرار دارد. تلاش برای تعمیق اختلافات سیاسی بویژه در سطوح تصمیم‌گیری نیز دنبال می‌شود. بر همین اساس قطعا نخستین راهبرد رژیم صهیونیستی و آمریکا برای حمله مجدد نظامی به ایران، از بین بردن انسجام و همبستگی ملی موجود و ایجاد افتراق، شکاف و چنددستگی میان جناح‌های سیاسی و همچنین بین مردم و نظام سیاسی است. بر این اساس می‌توان گفت زمان حمله احتمالی بعد رژیم صهیونیستی و احیانا آمریکا به ایران، وابسته به میزان تحقق این اهداف اجتماعی آنها در ایران است.

همزمان آنها تلاش می‌کنند از طریق سناریوهای سیاسی و نظامی، قدرت آفندی ایران را محدود کنند. از همه مهم‌تر، آنها تلاش می‌کنند به بهانه مذاکره و توافق، توان بازدارندگی هسته‌ای ایران را از بین ببرند. در همین راستا اکنون اروپایی‌ها به بهانه فعال‌سازی مکانیسم ماشه، به دنبال تعیین تکلیف ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد ایران هستند. تقویت پدافند موشکی رژیم صهیونیستی و احتمالا افزودن لایه‌ها و رینگ‌های پدافندی جدید نیز در دستور کار تل‌آویو قرار دارد. به هر حال، حمله مجدد رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران زمانی انجام می‌شود که پایه‌ها و رئوس راهبردهای جدید آنها علیه ایران فراهم شده باشد.

بر همین اساس بدیهی است تا این گزاره‌ها محقق نشود، حمله نظامی مجدد به ایران انجام نخواهد شد.

■ شکست در شب اول

در کنار این موارد، البته یک نکته بسیار مهم دیگر نیز وجود دارد که هم در شکست رژیم صهیونیستی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بسیار موثر بود و هم به احتمال زیاد، نقش کلیدی در هرگونه حمله مجدد رژیم صهیونیستی دارد. رژیم صهیونیستی بامداد ۲۳ خرداد، برخی فرماندهان ارشد نظامی، همچنین تعدادی از دانشمندان ایرانی را به شهادت رساند اما بدون تردید فهرست ترورها گسترده‌تر بوده است و رژیم در سایر موارد، ناکام ماند. یکی از مواردی که گستردگی فهرست ترورهای رژیم صهیونیستی در ایران را ثابت می‌کند، اقدام این رژیم برای ترور رؤسای قوا در جلسه شورای عالی امنیت ملی، در بعدازظهر یکشنبه ۲۵ خرداد بود. رژیم صهیونیستی با موشک‌باران جلسه شورای عالی امنیت ملی، نشان داد دنبال ترور مقامات ارشد سیاسی ایران است. واکنش عجولانه ترامپ به این ترور نیز قابل تامل است. ترامپ ساعاتی پس از حمله تروریستی به جلسه شورای عالی امنیت ملی ایران، عجولانه اجلاس G۷ در کانادا را ترک کرد. او سپس در اقدامی حیرت‌آور در تروث‌سوشال، نوشت: تهران را تخلیه کنید.

بدون تردید بر اساس برآوردهای اولیه، رژیم صهیونیستی تصور می‌کرد این ترور موفقیت‌آمیز بوده و ترامپ بر اساس این برآورد اولیه، این مطلب را در شبکه تروث منتشر کرد اما پس از آنکه موساد متوجه شد عملیات ترور سران قوا شکست خورده، به ترامپ نیز اطلاع دادند و دلیل حذف این پست از سوی ترامپ هم می‌تواند همین موضوع باشد.

این اقدام عجولانه ترامپ نشان می‌دهد او نه‌تنها از برنامه‌های نتانیاهو در ایران با خبر بود، بلکه با نقشه خطرناک نتانیاهو نیز همراه بود.

اما نقشه نتانیاهو و ترامپ چه بود؟

رژیم صهیونیستی در نظر داشت در همان دقایق اولیه حمله به ایران، همه مقامات ارشد سیاسی و نظامی ایران را ترور کند. مقامات رژیم صهیونیستی بر این باور بودند در صورت ترور مقامات ارشد سیاسی و نظامی، در ایران خلأ قدرت ایجاد می‌شود. در صورت تحقق این هدف، اولا امکان واکنش ایران و شلیک موشک به سرزمین اشغالی بشدت کاهش می‌یافت و سیستم در ایران دچار گیجی و سردرگمی می‌شد و عملا ساختار تصمیم‌گیری در ایران مختل می‌شد؛ ثانیا شرایط برای فعال شدن هسته‌های ترور و گروهک‌های تروریست در مناطق مرکزی و همین‌طور پایتخت ایران فراهم می‌شد. دلیل اینکه ترامپ از تخلیه تهران گفت نیز پیگیری نقشه جنگ خیابانی در تهران بود. رژیم صهیونیستی به دنبال آن بود پس از تحقق این شرایط، تمام زیرساخت‌های نظامی و اقتصادی ایران را بمباران و منهدم کند. از آنجا که به واسطه مختل شدن سیستم تصمیم‌گیری در ایران، موشکی به سمت سرزمین اشغالی شلیک نمی‌شد، رژیم با فراغ بال، اقدام به نابودی همه زیرساخت‌های نظامی و اقتصادی ایران می‌کرد. از سوی دیگر، آنها در چنین شرایطی، تلاش می‌کردند بخشی از جامعه را ترغیب کنند دست به اعتراضات خیابانی و شورش علیه نظام بزنند. مقامات رژیم صهیونیستی و آمریکا تصور می‌کردند با وقوع این شورش‌ها و اعتراضات، شرایط برای جداسازی بخش‌هایی از ایران، از طریق گروهک‌های تروریست مناطق مرزی غرب و شرق کشور فراهم می‌شود؛ چیزی شبیه آنچه رژیم صهیونیستی در سوریه انجام داده است. این کلیاتی از نقشه خطرناک رژیم و آمریکا برای ایران بود؛ نقشه‌ای بسیار خطرناک که هدف اصلی آن، تجزیه ایران و تبدیل آن به یک کشور ضعیف عقب‌مانده بود؛ همان هدفی که در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی بر آن تاکید شده است. در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی تصریح شده است ضامن بقای اسرائیل و تبدیل رژیم به هژمون منطقه، تضعیف همسایگان و کشورهای بزرگ و قدرتمند منطقه غرب آسیا و شمال آفریقاست. به هر حال این نقشه بسیار خطرناک در نطفه خفه شد. مهم‌ترین دلیل شکست این نقشه، ناکام ماندن برخی ترورها در بامداد ۲۳ خرداد، همچنین شکست ترور روسای قوا در ۲۵ خرداد بود. طی روزهای اخیر تایمز اسرائیل، در گزارشی، پرده از برخی ناگفته‌های جنگ ۱۲ روزه برداشت. این روزنامه صهیونیستی نوشت روز چهارم جنگ، یعنی ۲۶ خرداد، جلسه محرمانه نتانیاهو با برخی اعضای کابینه و مقامات امنیتی به تشنج کشیده شد و برخی مقامات امنیتی خواستار توقف جنگ شدند. این مقامات امنیتی با استناد به ناکامی رژیم در رسیدن به اهداف در نظر گرفته شده، بویژه عدم تحقق شورش داخلی در ایران و ناتوانی در جلوگیری از شلیک موشک از ایران به سمت سرزمین اشغالی، خواستار توقف جنگ در روز چهارم شدند اما این خواسته با مخالفت نتانیاهو مواجه و او مدعی شد جنگ تا تحقق اهداف، باید ادامه یابد.

نکته قابل تامل این است که طبق گزارش تایمز اسرائیل، این ماجرا، روز چهارم جنگ اتفاق افتاد؛ یعنی فردای عملیات تروریستی رژیم صهیونیستی برای ترور روسای قوا در جلسه شعام. این موضوع نشان می‌دهد ترور مقامات سیاسی ایران، نقش کلیدی در طراحی رژیم صهیونیستی داشته است. به عبارت دقیق‌تر، طراحی جنگی رژیم صهیونیستی، بر مبنای ترور مقامات و شخصیت‌های سیاسی و نظامی ایران چیده شده بود و وقتی این ترورها شکست خورد، رژیم صهیونیستی دیگر طرح و نقشه‌ای برای جنگ با ایران نداشت. این واقعیت‌ها یک نکته بسیار مهم را نشان می‌دهد و آن نکته این است که طراحی نظامی - امنیتی رژیم برای حمله به ایران، بر «ترور» استوار است؛ آن هم ترور مقامات ارشد سیاسی و نظامی. به معنای ساده‌تر، رژیم صهیونیستی تنها در یک حالت قادر به جنگ با ایران است؛ حالتی که مقامات عالی‌رتبه سیاسی و فرماندهان ارشد نظامی ترور شوند و ایران دچار خلأ قدرت، بی‌ثباتی سیاسی و مختل شدن فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شود.

ادامه در صفحه ۴

حمله شکست‌خورده رژیم اشغالگر به قطر وضعیت ذهنی نتانیاهو را مشخص کرد

دوست دارد قلدر منطقه باشد

ترجمه
سارا عبدالکریمی

یک هفته پس از حملات موشکی رژیم صهیونیستی به قطر، مشخص است نه‌تنها تلاش برای ترور رهبران حماس شکست خورد، بلکه نتیجه معکوس نیز داشت. این حمله این احساس را در دولت ترامپ و سراسر جهان پررنگ‌تر کرد که دولت بنیامین نتانیاهو بی‌ملاحظه است و به نیرویی بی‌ثبات‌کننده در منطقه تبدیل شده است.

نقشه اسرائیل این بود که چندین رهبر ارشد حماس را همزمان در حالی که برای بحث درباره پیشنهاد صلح دونالد ترامپ در غزه ملاقات می‌کردند، از بین ببرد. در این حمله، ۵ عضو حماس به همراه یک افسر امنیتی قطری شهید شدند اما همه اهداف کلیدی زنده ماندند.

یک مقام ارشد اطلاعاتی رژیم به آکسیوس گفت: «هیچ‌یک از رهبران ارشد حماس کشته نشدند. شاید قربانیان شوک‌آوری وجود داشته باشد». نتانیاهو ادعا کرد تصورشان این بود که حذف مقامات سرسخت حماس از هیأت مذاکره‌کننده و مدیریت حماس، دستیابی به آزادی اسرای صهیونیست و توافق آتش‌بس را آسان‌تر می‌کند! در عوض، این حمله ناموفق منجر به تعلیق نامحدود مذاکرات شد، مذاکره‌کنندگان حماس مخفیانه وارد عمل شدند و میانجی‌های خشمگین قطری تلاش‌های خود را به حالت تعلیق درآوردند. یک مقام ارشد صهیونیست به آکسیوس گفت حماس «در مسیر توافق» حرکت می‌کرد و «ما می‌توانستیم ظرف چند روز به موفقیت برسیم». در عوض، این مقام استدلال کرد این حمله مذاکرات را خراب کرد.

نتانیاهو می‌خواست فشار بیشتری بر قطر وارد کند تا حماس را تحت فشار قرار دهد اما این حمله منجر به افزایش همبستگی بین‌المللی با این امیرنشین خلیج‌فارس شد.

محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی، نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر، در برج ترامپ توسط ترامپ و در کاخ سفید توسط ونس، معاون رئیس‌جمهور میزبانی شد، در حالی که مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، برای بحث درباره توافق جدید دفاعی با قطر به دوحه سفر کرد. ده‌ها رهبر غرب و عرب بیانیه‌هایی در محکومیت اسرائیل و حمایت از قطر صادر کردند و رهبران عرب و مسلمان روز دوشنبه برای یک اجلاس اضطراری به دوحه رفتند. فاجعه حمله به دوحه درست قبل از پنجمین سالگرد توافق «آبراهام» بین اسرائیل، امارات، بحرین و مراکش رخ داد. ترامپ با این هدف روی کار آمد که کشورهایی را به این فهرست اضافه کند اما به نظر می‌رسد این هدف دورتر از همیشه باشد.

ادامه در صفحه ۲